



## اهداف

فرانکل در کتاب مشهور خود به نام ( انسان در جستجوی معنا ) به شرح زندگی خود در یک اردوگاه کار اجباری به هنگام جنگ جهانی دوم پرداخته است وی برآورد کرده است که از هر بیست و هشت نفر تنها یک تن از این اردوگاه وحشتناک جان سالم به در می برد.

فرانکل در مطالعه فردی خود به بیان علت بقای آن یک نفر و نابودی دیگران پرداخته است. وی متوجه شده بود که نجات یافتگان لزوما شایسته ترین یا سلامت ترین یا باهوش ترین ها نبودند و یا آنهایی که بهتر از بقیه تغذیه می شدند بلکه کسانی بودند که بهانه ای برای ادامه دادن داشتند، آنهایی که (هدف) داشتند. در مورد شخص فرانکل این هدف همانا اشتیاقی وصف ناپذیر دیدار دوباره همسر بود دیگر نجات یافتگان دلایل متفاوتی داشتند اما به هر حال وجه اشتراک همه آنها وجود یک هدف اساسی بود.

هدف آن چیز است که ما را همیشه در حرکت نگه می دارد. تا به حال چند بار شنیده اید که کسی بعد از چهل سال کار بازنشسته شده و ظرف چند ماه مرگش از راه رسیده باشد؟ وقتی ما تحرک خود را از دست می دهیم وقتی جهت خود را گم می کنیم، به زحمت می افتیم. تا به حال به این نکته توجه داشته اید که ما عموماً وقتی در گرماگرم کاری هستیم بسیار خوشحالیم تا پایان آن.





فرید ممکن است بگوید : ( شش سال از عمرم را در دانشگاه تلف کردم فقط

برای این که این تکه کاغذ را بگیرم) آنچه او نمی تواند بفهمد این است که در این مدت با افراد بسیاری آشنا شده است ، نکات زیادی در مورد خودش یاد گرفته است و تجربیات بیشماری کسب کرده است که بدون گذراندن این زمان، هیچ یک از اینها بدست نمی آمد، در واقع آن تکه کاغذ نیست که مهم است بلکه مهم، راهی است که به پایان رسانده است. در واقع آنچه که در جستجوی اهداف خود به آن دست پیدا می کنیم از اهمیت کمتری برخوردار است، مهم این است که با طی این طریق ( چه خواهیم شد؟)

هنگام برنامه ریزی برای هدف لازم است نحوه عملکرد هر چیزی را در این سیاره به خاطر بسپاریم هیچ چیز در خط مستقیم حرکت نمی کند و نیز هیچ هدفی مستقیم و بدون واپس روی بدست نمی آید.

متأسفانه عده ای بر این عقیده اند که پیشرفت فردی آنها باید با تمام قوانین حاکم بر جهان مغایر باشد. نتیجه اش این است که مثلاً مریم که رژیم را برای کاهش وزن شروع کرده است با مشاهده اولین نوسانات در پیشرفت این برنامه به این نتیجه می رسد که کم کردن وزن برای او بسیار دشوار و یا محال است و بقیه زندگی خود را در قالب یک دختر چاق طی می کند. یا فرید که تصمیم به پس انداز گرفته است با یکی دو هزینه پیش بینی نشده نتیجه می گیرد که پول جمع کردن برای او غیرممکن است و تمام آرزوهای خود را برای رسیدن به یک استقلال مالی کنار می گذارد.



آدم های موفق آنقدرها با استعداد و یا منحصر بفرد نیستند. آنها فقط توانسته

اند نحوه کارکرد هر چیز این جهان را درک کنند و بفهمند که پیشرفت خود آنها نیز مطابق با همین اصول است که بر محیط پیرامون آنها حاکم است. **آنها می دانند که تصحیح مداوم و پیوسته راه رسیدن به اهداف است.** در این راه بارها از مسیر منحرف می شویم ، اشتباه را تصحیح می کنیم و دوباره به راه اصلی بر می گردیم، این تصحیح مکرر در کار کشتی ها و راکت ها و موشک ها هم دقیقاً به چشم می خورد.

## دلیلی دیگر برای هدف داشتن

اگر هدف های مشخص در ذهن داشته باشیم و برای رسیدن به آن اهداف آماده مبارزه باشیم، افکار و اندیشه های ما برای رسیدن به این اهداف به ما کمک خواهند کرد و اگر هیچ هدفی نداشته باشیم، باز هم با افکار خود به طرف چیزی کشیده می شویم که اغلب به آن فکر می کنیم. ذهن ما، افکار ساده و اصلی ما را می گیرد و با این تصور که این افکار، هدفهای ما هستند ما را در جهت آنها سوق می دهد.

## هدفهای خود را روی کاغذ بیاورید

تمام سخنرانان و نویسندگانی که در مورد هدف صحبت کرده اند در یک نکته اتفاق نظر داشته اند، آنها همگی با اصرار و تاکید از شنوندگان خود خواسته اند که **هدفهای خود را روی کاغذ بیاورند.**



وقتی به خرید می رویم اول یک لیست تهیه می کنیم زیرا می خواهیم موقع

بازگشت از فروشگاه تمام مایحتاج مورد نظر خود را خریده باشیم و چیزی از قلم نیفتاده باشد،

**یک لیست همیشه به ما جهت می دهد.**

مردم برای میهمانیهای خود لیست های عریض و طویل تهیه می بینند از دستمال

سفره گرفته تا نوشیدنی و کیک و شیرینی، تا مطمئن شوند که همه وسایل لازم را آماده

کرده اند.

عجیب این است که اگر چه مردم به کارایی این لیست ها آگاهی دارند با این حال

تنها حدود سه درصد از آنها برای برنامه ریزی زندگی خود از آنها استفاده می کنند و

اکثریت با یک بی اعتنایی کورکورانه از تهیه لیست هدف های خود سر باز

می زنند و تمام وقت خود را به حیرت و سرگردانی می گذرانند که چرا آنچه را که

می خواستند بدست نیاوردند. با این همه اکثریت مردم برای برنامه ریزی جشن

تولد خود بیشتر از برنامه ریزی زندگی شان وقت صرف می کنند و باز در حیرتند

که چرا آنقدرها که باید و شاید، خوشبخت نیستند.